

Prospects for Regional Integration Ideas in Central Asia and Eurasia

Ghodratollah Behboudi nejad

PHD in Russian and Central Asian studies, Jawaher Lal Nehru University ,school of international studies, center for Russian and Central Asia studies. Lecturere at the Islamic Azad University of Rafsanjan, Rafsanjan, Iran.
mohsen.behboudi555@gmail.com

Abstract

Regional integration or convergence and cooperation, is one of the main topic of international discourse. Meanwhile, the progress of scientific research in Central Asia in this respect is not sufficient. In this article, an attempt into scientific understanding of the processes taking place in Central Asia and, more broadly, Eurasia; an attempt to comprehend how do they correlate with the real course of regional integration are represented. The analysis of the gradual development of the post-Soviet area leads to the results that have ambiguous definitions. The questions are whether the integration phenomena that are still transforming and ot finalized yet can be defined as real integration? or whether or not Central Asia can be referred to as a true geopolitical region? The hypothesis is that the ideas of integration among Central Asian countries have not been successful due to the confusion of States and internal problems, and the integration ideas presented by trans-regional actors do not have a clear vision. Along with this, it is appropriate to to draw parallels and determine correlation bonds between the mechanisms and the institutes of the functioning regional association. of the integration type (the EAEU) with the Eurasian idea projects proposed by the the post-Soviet area countries. In this article, try to analyse in a bundle the selected issues of the political idea (projects) regarding regional integration and its prospects.

Keywords: *Central Asia, Eurasian idea, integration, cooperation, Eurasian Union*

ایده ادغام منطقه‌ای در چشم‌اندازهای آسیای مرکزی و اوراسیا

قدرت‌الله بهبودی نژاد

دکتری مطالعات حوزه روسیه و آسیای مرکزی از دانشگاه دولتی جواهر لعل نهرو و مدرس در دانشگاه آزاد
رفسنجان، رفسنجان، ایران mohsen.behboodi555@gmail.com

چکیده

ادغام منطقه‌ای یا نزدیک شدن و همکاری یکی از موضوعات اصلی گفتمان بین‌المللی است. در همین حال، پیشرفت تحقیقات علمی در آسیای میانه از جهت پرداختن به موضوعات ادغام کافی نیست و این موضوع بیشتر در سطح محاوره‌ای ارائه می‌شود. در این مقاله، سعی در درک علمی فرایندهای ادغام در آسیای میانه و به‌طور گسترده‌تر در اوراسیا می‌باشد. پرسش این است که «آیا پدیده‌های ادغام که هنوز در حال تغییر هستند، می‌توانند به‌عنوان یکپارچگی واقعی تعریف شوند؟ و یا به عبارتی دیگر، آیا می‌توان از آسیای میانه به‌عنوان منطقه ژئوپلیتیکی واقعی یاد کرد یا خیر؟» فرضیه این است که ایده‌های ادغام در میان کشورهای آسیای میانه به دلیل سردرگمی حاکمیت‌ها و مشکلات داخلی موفقیت‌آمیز نبوده و ایده‌های ادغامی هم که بازیگران فرامنطقه‌ای ارائه داده‌اند چشم‌انداز مبهمی پیش‌روی خود دارند. در کنار این، تعیین موازنه و تعیین پیوندهای همبستگی بین مکانیسم‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای فعال از نوع ادغام، مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا با پروژه‌های ایده اوراسیای پیشنهادشده کشورهای منطقه پس از شوروی مناسب است. این پژوهش، ایده سیاسی (پروژه‌ها) در مورد ادغام منطقه‌ای و چشم‌اندازهای آن را بررسی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: آسیای میانه، ایده اوراسیا، ادغام، همکاری، اتحادیه اوراسیا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۶ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۰۸/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۳

فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال ۴، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰، صص ۴۲۵-۴۵۲

مقدمه

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، منطقه ژئوپلیتیکی جدیدی در صحنه جهانی به نام آسیای میانه ظاهر شد. منطقه آسیای میانه عبارت از قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان و قرقیزستان است. کشورهای منطقه از طرفی دارای دوره‌ای طولانی از تاریخ مشترک اقتصادی و سیاسی و همچنین وابستگی متقابل قابل توجه هستند که با شروع فروپاشی شوروی، این عوامل حتی روند ملت‌سازی و تعیین مرزها را در آسیای میانه معاصر تعیین کردند؛ از سوی دیگر، آسیای میانه از بسیاری جهات هنوز به‌عنوان منطقه‌ای در حال توسعه است که تحت تأثیر مداوم مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی قرار دارد. بسیاری از کارشناسان، آسیای میانه معاصر را از منطقه‌ای پیرامونی در گذشته به محل اتصال مهم در مرکز قاره اوراسیا تبدیل کرده‌اند (Gleason, 2001, p. 41). پس از فروپاشی شوروی، کشورهای آسیای میانه با نیاز برای ایجاد سریع روابط سیاسی و اقتصادی فراملی مواجه شدند. در همان زمان، کشورهای آسیای میانه شروع به تلاش برای برقراری همکاری‌های منطقه‌ای کردند. ایده ادغام منطقه‌ای به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر در توسعه و تقویت استقلال اقتصادی تازه به‌دست آمده در این جمهوری‌ها مشاهده شد. نیاز به ادغام با درک این مسئله تقویت شد که منطقه با مجموعه‌ای از مشکلات مشترک اقتصادی - سیاسی روبه‌رو است که می‌تواند با تجمیع منابع و تلاش‌ها حل شود.

اقتصاد کشورهای جدید آسیای میانه که به سیستم‌های جداگانه تقسیم شده‌اند در لحظه استقلال خود چشم‌اندازی واقعی برای سرمایه‌گذاران بزرگ بین‌المللی

ارائه نمی‌داد. تنها یکپارچگی فضای اقتصادی قابل توجه‌تر می‌تواند جذب سرمایه‌گذاری در مقیاسی را فراهم کند که امکان مدرن‌سازی سیستم‌های اقتصادی این کشورها را فراهم کند. این درک در تلاش کشورهای آسیای میانه برای ایجاد یک جامعه اقتصادی منطقه‌ای و فضای اقتصادی مشترک به اثبات رسیده است. با توجه به موقعیت‌های مشترک زیست‌محیطی و جغرافیایی جمهوری‌های جدید، استفاده مشترک از منابع در منطقه نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. با این حال، بلافاصله پس از استقلال، مشخص شد که موانعی بر سر راه ادغام وجود دارد. کشورهای جدید حساسیت شدیدی نسبت به نگرانی از توسعه حاکمیت ملی خود نشان دادند. این تعهد به حاکمیت دولت، منجر به سطحی از عدم تمایل و مخالفت با ایده و آگذاری برخی از اختیارات دولتی به سازمان یا اتحادیه‌ای فوق ملی شد (Malgin & Narinskii, 2002, p. 32-46). عدم تقارن توسعه کشورهای مختلف این منطقه، مشکلات را تشدید کرد. کشورهای جدید آسیای میانه از نظر تعداد و سرزمین‌ها و همچنین دسترسی به منابع طبیعی و مسیرهای اصلی حمل و نقل تفاوت‌های چشمگیری داشتند. مدل‌های مختلف نوسازی سیاسی و اقتصادی به عوامل سرکوب همکاری منطقه‌ای در آسیای میانه مربوط می‌شود. امروز این پرسش مطرح است که آیا آسیای میانه واقعاً به عنوان منطقه‌ای یکپارچه است. اگر پنج کشور مستقل آسیای میانه از دریچه جغرافیا، فرهنگ و سیستم‌های اقتصادی مشترک آنها بررسی شوند، در آن صورت مناسب است که از آسیای میانه به عنوان یک منطقه یاد کنیم.

با وجود این، اساساً در بحث تعریف منطقه، مهم این فرض است که کشورهای منطقه دارای روابط اقتصادی قوی‌تری با یکدیگر نسبت به کشورهای خارج از منطقه هستند. کشورهای امروز آسیای میانه اساساً صادرکننده مواد اولیه و منابع انرژی هستند. کالاهایی که بیشتر از بازارهای منطقه‌ای به درخواست‌های متقاضیان جهانی بستگی دارند (patniak, 2019, p. 147). علاوه بر این، معیارهای اقتصادی منطقه‌سازی مستقیماً با ادغام گره خورده است که وقتی اهداف و ترجیحات همه بازیگران تا حد زیادی همسو باشد، ثبات بیشتری وجود دارد تا

هنگامی که شکاف‌های زیادی بین ترجیحات کشورهای همسایه وجود داشته باشد که سبب می‌شود همسویی منافع ملی آنها به‌طور قابل توجهی پیچیده‌تر شود. واقعیت این است که منطقه‌سازی مستقیماً با ادغام گره خورده است، می‌توان از تجزیه و تحلیل وابستگی متقابل در تجارت، سرمایه‌گذاری، مهاجرت نیروی کار و بخش انرژی به‌عنوان معیاری برای تشکیل منطقه در آسیای مرکزی استفاده کرد. آسیای میانه به‌طور ذهنی دارای پیش‌نیازهای نظری برای تشکیل منطقه می‌باشد. کشورهای منطقه آسیای میانه دارای عوامل مختلفی هستند که امکان بررسی آنها را به‌عنوان فضایی امیدوارکننده برای ادغام فراهم می‌کند. این عوامل عبارتند از:

۱. موقعیتی جغرافیایی در مرکز قاره اوراسیا که از نظر اطمینان از امنیت و ثبات برای بخش بزرگی از اوراسیا و نیز از نظر ژئوپلیتیکی به کشورهای اهمیت می‌دهد؛

۲. وابستگی متقابل در زمینه سیستم‌های آب و انرژی؛

۳. زیرساخت‌های حمل و نقل متصل شده و موقعیتی در محل گذرگاه‌های ترانزیتی پان اوراسیا، از جمله خروج از خلیج فارس از طریق ایران، اقیانوس هند از طریق افغانستان و پاکستان و منطقه آسیا و اقیانوسیه از طریق چین و روسیه؛

۴. عناصر زیربنایی مشابه، مانند سیستم‌های آموزشی، علمی، فرهنگی، حکومتی و اداری؛

۵. تلاش مشترک برای حفظ زبان روسی به‌عنوان رسانه ارتباطی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی؛

۶. بازار قابل توجه، اما هنوز توسعه‌نیافته (بیش از ۷۰ میلیون نفر در منطقه زندگی می‌کنند که تولید ناخالص داخلی آن در حدود ۱۶۶ میلیارد دلار است) (Akiner, 2017, p. 86).

در دوره پس از اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای آسیای میانه چندین تلاش کرده‌اند تا ترتیبی نهادی برای همکاری‌های منطقه‌ای ایجاد کنند؛ شکست این تلاش‌ها شاید ارتباط زیادی با روابط متقابل آنها داشته باشد. مواردی مانند

اختلاف‌های داخلی، ضعف ساختاری، فرایند ملت‌سازی توسط رهبران دولت‌ها و نقش بازیگران خارجی باعث شده پدیده‌های ادغام یا منطقه‌سازی در آسیای میانه موفق‌آمیز نباشد. در نتیجه، سازوکارها یا سازمان‌های منطقه‌ای که در منطقه ایجاد شده‌اند را قدرت‌هایی مانند روسیه، چین و ایالات متحده هدایت یا آغاز می‌کنند. منافع رقابتی این قدرت‌ها در ارتقای همکاری بین کشورهای آسیای مرکزی کمکی نکرده است، هرچند برخی از این سازمان‌ها برای کشورهای عضو مفید هستند.

این مقاله در تلاش است تا فرایندهای در حال انجام در آسیای میانه و اوراسیا را به‌طور علمی تبیین کند تا بتواند ارتباط آنها را با جهت واقعی ادغام منطقه‌ای تشخیص دهد. تجزیه و تحلیل توسعه تدریجی فضای پس از اتحاد جماهیر شوروی منجر به نتیجه‌گیری با نتایج مبهم می‌شود. پرسش این است «آیا امروزه می‌توان تعریفی از ادغام واقعی برای پدیده‌های منطقه‌سازی در بین کشورهای این منطقه ارائه داد، آن هم در شرایطی که این پدیده‌های ادغام هنوز در حال تغییر هستند و تکمیل نشده‌اند؟» در این مقاله سعی می‌شود برخی از جنبه‌های ایده‌های سیاسی (پروژه‌ها) درباره ادغام منطقه‌ای و چشم‌اندازهای آن را به‌طور جامع تحلیل کنیم.

چهارچوب نظری

در روابط بین‌الملل معاصر، منطقه‌گرایی، همراه با جهانی‌شدن، یکی از غالب‌ترین روندهای تعیین‌کننده توسعه جهان است. علی‌رغم این واقعیت که مطالعات زیادی به بررسی مفهوم «منطقه» اختصاص یافته است، تعدد معیارهایی که برای تعریف این اصطلاح استفاده می‌شود، هرگونه تلاش برای توسعه درک واحدی از یک منطقه را پیچیده می‌کند. اکثر کارشناسان، شکل‌گیری یا وجود منطقه آسیای میانه را از منظر منطقه‌گرایی، به معنای نوعی ادغام رسمی و ضعیف دولت، رواج سرمایه‌گذاری مرزی، شبکه‌های تجاری و مهاجرت قوی بین‌المللی می‌بینند (Breslin, 2000, p. 335).

مطالعه منطقه‌گرایی و منطقه‌بندی دارای اهمیت نظری و عملی است. مطالعه

رسمی تئوری و عملکرد منطقه‌گرایی امکان توسعه رویکردهای جدید برای گسترش همکاری‌های منطقه‌ای را فراهم می‌کند که به نوبه خود امکان ایجاد یک سیستم منطقه‌ای باثبات‌تر، قابل پیش‌بینی‌تر و کمتر حساس به درگیری را فراهم می‌کند. رویکردهای جدید در منطقه‌گرایی امکان تجزیه و تحلیل دقیق‌تر سیستم‌های منطقه‌ای را نیز فراهم می‌کند. این واقعیت از این جهت است که هم امکان بررسی گسترده فرصت‌های ادغام منطقه‌ای را به‌طور کلی و هم مطالعات ویژه‌تری در مورد مسیرهای واقع‌گرایانه توسعه، روند تحولات سیاسی - اقتصادی و بازه‌های زمانی دستیابی به نقاط عطف در روند همکاری‌های منطقه‌ای فراهم می‌کند (Rakhimov, 2018, p. 4).

در سطح عملی، مطالعه فرایندهای منطقه‌ای امکان تجزیه و تحلیل سیاست‌های ملی در منطقه را با هدف نه‌تن‌ها منافع ملی و فردی، بلکه با هدف ایجاد فرصت‌های مفید برای تک‌تک کشورها برای پیگیری همکاری با همسایگان منطقه‌ای خود، فراهم می‌کند. همکاری منطقه‌ای سازمان‌یافته، همان‌طور که در مورد اتحادیه اروپا نشان داده شده است، می‌تواند بر حل و فصل تعدادی از موضوعات مختلف، اعم از توسعه مشترک اقتصادی سرزمین‌های مرزی و اجرای برنامه‌های همکاری زیست‌محیطی تا تلاش برای بازسازی یک سیستم کامل از روابط اقتصادی بین‌المللی و توسعه سازوکارهای پیچیده برای تقویت امنیت منطقه‌ای متمرکز باشد.

منطقه‌بندی در کشورهایی که دارای توانایی‌های سیاسی - نظامی و فنی - اقتصادی قوی هستند، بیشترین موفقیت را دارد. این امر در نمونه‌های اروپای غربی و آسیای شرقی به‌وضوح قابل مشاهده است. در کشورهای ثروتمند اروپای شمالی از منطقه‌گرایی برای گشودن بازارهای جدید و تقویت موقعیت بین‌المللی بازار کار استفاده می‌شود. کشورهای جنوب از گروه‌های منطقه‌ای برای دفاع از خود در برابر گسترش غرب استفاده می‌کند.

آسیای مرکزی به عنوان یک منطقه

در حال حاضر آسیای میانه شامل پنج جمهوری شوروی سابق - قزاقستان،

قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان می‌باشد، اما آسیای میانه در قلب منطقه قدیمی بزرگ‌تری به نام اوراسیا قرار دارد. بیشتر قسمت‌های این پنج کشور، پس از شوروی در منطقه‌ای به نام «آسیای میانه» واقع شده‌اند. این پژوهش سه رویکرد اصلی در تعریف «آسیای میانه» را از هم متمایز می‌کند:

– رویکرد تاریخی – جغرافیایی: از دیدگاه جغرافی دانان و جهانگردان غربی که «آسیای میانه» را کشف می‌کنند؛

– رویکرد ژئوپلیتیک: که تغییر داخلی سیستم‌های سیاسی و رژیم‌ها منجر به افزایش علاقه از سوی بازیگران خارجی می‌شود؛

– رویکرد اقتصادی – اجتماعی: این رویکرد با دو رویکرد بالا همراهی دارد، ولی امروزه پتانسیل‌های اقتصادی در وهله اول ادغام است.

هر سه رویکرد به‌طور گسترده آسیای میانه را به‌عنوان یک منطقه تفسیر می‌کنند. این سه رویکرد فضای بزرگی را شامل می‌شوند که احتمالاً می‌تواند بسیاری از کشورها و مناطق جاده بزرگ ابریشم را نیز دربرگیرد. با این حال، تنها توسعه روابط اقتصادی – اجتماعی بین کشورهای منطقه در روند شناسایی و هویت آن تأثیر می‌گذارد.^(۱)

در سال ۱۹۹۳ رهبران کشورهای آسیای میانه پس از شوروی تصمیم سیاسی خود را برای قطع استفاده بیشتر از اصطلاح «آسیای میانه» اعلام کردند. این منطقه نه تنها از لحاظ جغرافیایی، بلکه از نظر سیاسی هم مرکز قاره اوراسیا است. طبق ایده‌ای آمریکایی با آزاد شدن آسیای میانه: روزی جدید برای منطقه با ایجاد پنج کشور مستقل پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ از یک سو و با ایجاد دولتی جدید و مدرن‌تر در کشور افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر از سوی دیگر، آغاز شد. منطقه آسیای میانه، منطقه وسیعی مرکب از بیابان‌ها، کوه‌ها و استپ‌های بین چین، پاکستان، ایران و روسیه می‌باشد. پس از فروپاشی شوروی، دریای خزر از منطقه‌ای پیرامونی که تحت عنوان «حیات خلوت»^۲ شوروی نامیده

می‌شد خارج شد و به مرکز کانون توجهات قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای تبدیل شد. از یک‌طرف آمریکا در افغانستان که به‌طور سنتی قلب آسیای میانه قلمداد می‌شود، به بهانه جنگ با طالبان، به دنبال منافع خود در آسیای میانه می‌باشد. از طرف دیگر چین این منطقه را عمدتاً به‌عنوان منبعی نیمه استعماری غنی از نفت، گاز طبیعی، طلا، آلومینیوم، مس و اورانیوم می‌بیند. در عین حال، روایت روسی به رقابت ژئوپلیتیکی مسکو در آنجا با غرب و به‌طور فزاینده‌ای با چین دامن می‌زند (Starr, 2005, p. 7). بازیگران قدرتمندی مانند ایالات متحده، کشورهای اتحادیه اروپا، چین و روسیه علاقه زیادی به منطقه آسیای میانه دارند که به مشکلات و پیچیدگی‌های این منطقه دامن می‌زند. مشکل دیگر این منطقه تأثیری است که نیروهای خارجی بر روابط بین منطقه‌ای، از جمله در تعریف نام منطقه دارند. کشورهای خارج از منطقه چشم‌اندازها و پروژه‌های خود را برای آسیای میانه دارد؛ برای مثال از دیدگاه آمریکایی، همان‌طور که «فردریک استار» در مورد «آسیای مرکزی بزرگ» بیان می‌کند (که شامل پنج کشور پس از اتحاد جماهیر شوروی به‌علاوه افغانستان، مغولستان، شمال غربی چین، پاکستان و شمال هند می‌باشد). به گفته وی: «تعامل ایالات متحده با افغانستان، تمام آسیای میانه را به نقطه عطفی برای ایالات متحده تبدیل کرده است، اما علاقه و سیاست‌های ناهماهنگ، خطر تضعیف دستاوردهای اخیر را به همراه دارد. برای استفاده از فرصت پیشرفت در منطقه‌ای حیاتی مانند آسیای میانه، واشنگتن باید آسیای مرکزی بزرگ را تشکیل دهد، اگرچه پیشرفت همکاری‌های بین‌المللی بسیار محدود باشد» (Starr, 2019, p. 120).

سه گروه اصلی پروژه‌های ادغام منطقه‌ای در آسیای میانه و اوراسیا عبارتند از: الف) پروژه‌های ویژه بین‌المللی برای منطقه آسیای میانه؛ ب) مشارکت کشورهای منطقه در سازوکارهای ادغام پس از شوروی؛ ج) مشارکت در پروژه‌های بزرگ‌تر ادغام، جایی که کشورهای آسیای میانه گروه قابل توجهی از شرکت‌کنندگان را تشکیل می‌دهند، مانند کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، اتحادیه

اقتصادی اوراسیا، سازمان همکاری شانگهای.

«اوگنی وینوکوروف» و «الکساندر لیمن» پژوهشگران مرکز تحقیقات اوراسیا، متعلق به بانک توسعه اوراسیا، پیشنهاد می‌کنند که ادغام اوراسیا را در درجه اول باید یک ادغام اقتصادی قاره‌ای در نظر گرفت: «همکاری‌های بین‌دولتی از روند توسعه پیوندهای اقتصادی عقب مانده است. ما نه انتظار داریم و نه پیشنهاد می‌کنیم که همکاری‌های بین‌دولتی در اوراسیا باید یا می‌تواند شامل همه کشورهای قاره شود، بلکه باید بر اساس پروژه‌های ادغام چندگانه هم‌پوشانی، شامل دولت‌ها، مؤسسات ملی و فراملی باشد» (Vinokurov & Libman, 2016, p. 11).

دو مورد مهم را باید با توجه به هرگونه تحلیل مقایسه‌ای ادغام منطقه‌ای مورد تأکید قرار داد. اول اینکه مرزهای مناطق در اثر این ادغام‌ها مبهم و یا دچار درهم‌ریختگی می‌شوند. دوم، تمرکز بر ایجاد زمینه‌های مرتبط ادغام می‌تواند بسیار مهم باشد (Nay, 1968; Fawcett, 1996, p. 10-11; Bohr, 2004, p. 485).

الگوهای منطقه‌سازی به شدت تحت تأثیر توسعه نهادها در کشورهای آسیای میانه قرار دارند. به‌ویژه به‌نظر می‌رسد مدل «اصلاحات لیبرال‌تر» همراه با پیوندهای پایدار بین گروه‌های تجاری تأثیرگذار و سیاست، «ترکیبی از موفقیت» برای شرکت‌های چندملیتی موفق‌تر بوده، مانند آنچه برای قزاقستان اتفاق افتاده است. قزاقستان به‌خوبی یاد گرفته است که از پتانسیل‌های موقعیت جغرافیایی، وسعت سرزمینی خود و نیاز به چندین محل برای صادرات منابع خود، برای استفاده در سیاست خارجی «چندبُردار» خود استفاده کند. قزاقستان همراه با این اولویت در سیاست منطقه‌ای خود، توسعه روابط پایدار با کشورهای همسایه خود را نیز برجسته کرده است.

روند ادغام؛ منافع منطقه‌ای

کشورهای آسیای میانه موقعیت ژئواستراتژیک بسیار مهمی در مرکز اوراسیا دارند. فقط با تلاش مشترک کشورهای منطقه می‌توان از مهم‌ترین خطوط ارتباطی زمینی، هوایی و آبی که از کشورهای مربوطه عبور می‌کنند بهره‌برداری کرد. ذخایر عظیم

انرژی و منابع آب، ذخایر سنگ معدن و مواد اولیه متالورژی، فلزات گرانبها و منابع کشاورزی در این منطقه بی‌نظیر است و در جهان تقاضای زیادی برای آنها وجود دارد. این ظرفیت استراتژیک منطقه را نشان می‌دهد. کشورهای این منطقه تنها با همکاری مشترک می‌توانند از این منابع برای توسعه خود استفاده کنند و همچنین از تأثیرات خارجی مستقل شوند.

توسعه گسترده و تجارت بیشتر و همکاری اقتصادی باید زمینه‌ساز ادغام در آینده باشد؛ زیرا منجر به شکل‌گیری بازار مشترک خودکفا و محافظت‌شده خواهد شد. از سوی دیگر لزوم حمایت مشترک از تولیدکنندگان داخلی و ایجاد شرایط برابر برای فعالیت تجاری در فضای اقتصادی واحد تقویت خواهد شد.

ادغام منطقه‌ای؛ روندی طبیعی و عینی

در دنیای مدرن، اقتصاد را نمی‌توان در مرزهای ملی مهار کرد. تولید نوآورانه نیاز به بازارهای بزرگ و همچنین توانایی قابل‌توجه انسانی نظیر علم و فناوری دارد. در سیاست خارجی قزاقستان توجه ویژه‌ای به توسعه مشارکت نزدیک با تمام همسایگان خود در منطقه، مانند قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان شده است. قزاقستان متعهد به چهارچوب منطقه‌ای بر اساس منافع منطقه‌ای است. در همین حال در آسیای مرکزی، شکل «کار» احاکم بر روابط دوجانبه، به‌ویژه روابط بین رهبران کشورها می‌باشد.

در مناطق مختلف جهان گرایش به ادغام گرایشی ثابت و پیوسته است. جهانی‌شدن رقابت‌های اقتصادی را به شدت تشدید کرده است. این مسئله نیروهای ملی را مجبور به ادغام می‌کند، در غیراینصورت یا عقب می‌مانند و یا از این روند دور می‌شوند. مشارکت در فرایندهای ادغام به معنای غلبه بر بسیاری از مشکلات منطقه‌ای و حتی جهانی است. مشارکت آسیای میانه در این روند را می‌توان به صورت عینی به‌عنوان بخشی از گرایش جهانی به سمت ادغام و تحکیم در برابر چالش‌های قرن بیست و یکم ارائه داد. در عین حال، فرایند ادغام قبل از هر چیز، در سطح اجتماعی - اقتصادی و در سطح فوق‌ملی و منطقه‌ای به درجه بالایی از

وابستگی و مکمل بودن نیاز دارد.

کشورهای آسیای مرکزی تلاش دارند در سیاست ادغام خود از نمونه‌های موفق در مناطق دیگر جهان مانند اتحادیه اروپا، آ.س.آن، نفتا^۱ و مرکوسورالگو برداری کنند. استفاده از تجربه اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که تنها تلاش‌های مشترک کشورهای آسیای میانه می‌تواند برای غلبه بر اختلافات و حتی درگیری‌های بین‌همدیگر به آنها کمک کند (Gubaidullina, 2013, p. 133-150).

برخلاف مدل‌های ادغام ذکر شده، آسیای مرکزی پس از شوروی در شرایط خاص خود توسعه می‌یابد. پیشرفت یکپارچگی منطقه‌ای به دلیل نداشتن سابقه طولانی مدت حاکمیت کشورهای آسیای میانه و واقعیت‌های کاملاً جدید ژئوپلیتیکی پیچیده است. قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان مجبور به انتخاب رویکردهای مخصوص به خود در مورد مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی توسعه، شکل و محتوای همکاری‌های بین‌دولتی هستند، بدون اینکه ایده ادغام منطقه‌ای را نیز انکار کنند. به‌خاطر این آشفتگی‌ها آسیای میانه «آزمایشگاه ادغام اوراسیا»^۲ نام‌گذاری شده است (Vinokurov, 2012, p. 102). ابتکاراتی که با منافع منطقه برابری می‌کنند از مدت‌ها پیش بسیار جذاب هستند، اما به‌سختی به سرانجام می‌رسند. همچنین فاکتورهای زیادی برای جلوگیری از این سردرگمی برای کشورهای این منطقه وجود دارد.

اولین ایده ایجاد کشورهای مشترک‌المنافع آسیای میانه مبتنی بر اصول «تعهد به همکاری در توسعه فضای مشترک اقتصادی، بازارهای تمام اروپا و اوراسیا» بود که هنوز محقق نشده است (Alma-Ata Declaration, 1998, p. 104). یکی از عوامل مهم ناموفق بودن آن، سردرگمی حاکمیت‌ها و مشکلات داخلی این کشورها بوده است. ایده کشورهای مستقل مشترک‌المنافع هرگز به یک سازمان ادغام تبدیل نشد. یک دلیل روشن روش‌شناختی در این باره، مفاهیم متضاد «دولت ملی»^۳ و «ادغام»^۴ بود که

^۱ NAFTA

^۲ MERCOSUR

^۳ laboratory of Eurasian integration

^۴ the national state

به‌عنوان ناسازگار با یکدیگر تلقی می‌شدند. عامل دیگر، تمایل شدید کشورهای مستقل مشترک‌المنافع برای ورود سریع به اوراسیای بزرگ منجر به فاصله‌گرفتن از یکدیگر شد و طبیعتاً هیچ ایده ادغامی در هیچ سطح از ترجیحات عمومی مورد اقبال واقع نشد، اما در حال حاضر نگرش نسبت به توسعه بیشتر در فضای پسا شوروی در طی سی سال گذشته با گذشت زمان تغییر کرده است.

کشورهای آسیای میانه در مورد روند ادغام در آینده در مجموعه بزرگ‌تری همراه با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع که در چهارچوب توافق‌نامه «چهار + ان» در مورد تشکیل اتحادیه اوراسیا که قزاقستان، روسیه، بلاروس و اوکراین آن را تشکیل داده بودند پیوستند، اما به‌زودی دریافتند که دارای دیدگاه متضاد و متفاوتی هستند، بنابراین در همان ابتدا رئیس‌جمهور ازبکستان «اسلام کریم‌اف» در اجلاس رؤسای جمهوری آسیای میانه در «بیشکک» در ۶ مه ۱۹۹۶ اعلام کرد که هیچ چشم‌اندازی برای پیوستن ازبکستان به توافق‌نامه «چهار به علاوه ان»، نمی‌بیند. اگرچه کریموف اشاره کرد که به انتخاب قزاقستان و قرقیزستان برای پیوستن به گروه «چهار + ان» احترام می‌گذارد، ازبکستان از شرکت در این توافق‌نامه امتناع ورزید (NEWS Time, 25 February 2008).

هم‌زمان سیاست خارجی قزاقستان برعکس ازبکستان، جدا از منطقه آسیای میانه عمل نمی‌کند و به چندقطبی‌گرایی دارد. ایده ادغام قزاقستان در چهارچوب کشورهای مستقل مشترک‌المنافع چندمرحله‌ای است. قزاقستان به همکاری با دولت‌های آسیای مرکزی برای پروژه در حال پیشرفت اتحادیه اوراسیا ادامه می‌دهد. دیدگاه مفهومی پروژه ادغام اوراسیا در برخی از نوشته‌های رؤسای جمهور قزاقستان و روسیه، «نورسلطان نظربایف» و «ولادیمیر پوتین»، بیان شده است.

سیاست انتقالی فضای اوراسیا با کشمکش مداوم در میان مجموعه‌ای از سه ایده و نهاد قرار دارد: در مرحله اول، الگوپذیری قابل توجه ایده‌ها و نهادهای باقیمانده از مدل‌های دوران شوروی برجسته است. دوم، تلاش رژیم‌های این

کشورها برای ابداع سنت‌های تاریخی و فرهنگی خود براساس زمان قبل از اشغال آنها توسط شوروی و سوم، تلاش بخشی از نخبگان قدرتمند برای برتری بخشیدن به ایده‌ها و نهادها بر اساس الگوبرداری از مدل‌های لیبرال غربی است. بنابراین درهم‌آمیختگی عجیبی از این ایده‌ها و نهادها در منطقه آسیای مرکزی وجود دارد (Patnaik, 2019, p. V). در زیر مروری بر ایده ادغام در آسیای میانه و سپس اوراسیا می‌شود؛ اینکه آیا آنها در پروژه‌های ادغام موفق بوده‌اند یا خیر.

فاز اول ایده‌ها: اتحادیه آسیای میانه و جامعه اقتصادی آسیای میانه

۱. اتحادیه آسیای میانه

اولین تلاش برای ادغام آسیای میانه در ژانویه ۱۹۹۴ انجام شد. ازبکستان و قزاقستان توافق‌نامه «تاشکند» را برای ایجاد فضای مشترک اقتصادی امضا کردند (Agreement, 1998, p. 89-93). این توافق‌نامه را پارلمان‌های قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان تصویب کردند. این اولین پروژه منطقه‌ای بود که آغاز گردید و بنیان مناسبات اقتصادی سه کشور آسیای میانه را بنا نهاد؛ هرچند تاجیکستان و ترکمنستان در توافق‌نامه شرکت نکردند.

سازمانی که در نتیجه این توافق‌نامه به وجود آمد اتحادیه آسیای مرکزی نام گرفت. چهارچوب این توافق‌نامه برای اجرای برنامه‌های مشترک تعمیق ادغام اقتصادی، جابه‌جایی آزاد کالا، خدمات، سرمایه و نیروی کار و همچنین هماهنگی و تسویه حساب اعتبار، بودجه، مالیات، قیمت، گمرک و سیاست‌های پولی پیش‌بینی شده بود. کشورهای عضو، توافق‌نامه‌هایی مربوط به سازماندهی و تشکیل گردان حافظ صلح را تحت نظارت سازمان ملل، توافق در مورد استفاده از انرژی و منابع آب، ساخت و بهره‌برداری از خطوط لوله گاز در منطقه آسیای میانه را امضا کردند. اتحادیه آسیای میانه را می‌توان یکی از مراحل افزایش مداوم رویکرد نزدیک شدن کشورهای آسیای میانه به همدیگر دانست. بنابراین، اتحادیه

۱Common Economic Space (CES)

۲Central Asian Union (CAU)

آسیای میانه پروژه‌ای منحصربه‌فرد بود که کشورهای این منطقه ایجاد کردند، ولی تاکنون به نتایج موردنظر پدیدآورندگان آن منتهی نشده است.

۲. جامعه اقتصادی آسیای میانه^۱

همان‌طور که در بالا اشاره شد، تلاش‌های زیادی برای ادغام از بالا به پایین در آسیای میانه انجام شده است که عمدتاً بدون هیچ نتیجه چشمگیری بوده است. حتی ابتدایی‌ترین شکل همکاری منطقه‌ای نیز کاملاً مشکل‌ساز بوده است. اگرچه شبکه‌ای کاملاً ناقص از توافق‌نامه‌های تجاری دوجانبه بین کشورهای آسیای مرکزی وجود دارد، مشکلات اجرایی زیادی نیز وجود دارد. کشورها اغلب به صورت یک‌جانبه عمل می‌کنند و روابط تجاری را در صورت بروز تلاطم‌های اقتصادی یا سیاسی محدود می‌کنند. وابستگی متقابل اقتصادی در حوزه منابع آب یا انرژی نیز باعث اختلافات دائمی بر سر توزیع مجدد از منابع آبی مشترک شده است.

یکی از مهم‌ترین وظایف این توافق‌نامه حل و فصل مسئله تقسیم آب بین دولت‌های عضو بود. توافق‌نامه، سیاست یکنواختی را در مورد استفاده از منابع آب رودخانه نارین^۲ - سیردریا و همچنین هزینه‌های بازسازی شبکه‌های آبی و دارایی‌های بین‌دولتی برای هماهنگی بیشتر به وجود آورد. تنها مورد پیشرفت این توافق‌نامه مربوط می‌شود به دوره‌ای که تصمیم گرفته شد پاک‌سازی مناطق مرزی مین‌گذاری شده در مرزهای ازبکستان با قرقیزستان و تاجیکستان و در مرزهای قزاقستان و ازبکستان که خسارات زیادی به بار می‌آورد، انجام شود. تاجیکستان پس از برقراری صلح در این کشور نیز در سال ۱۹۹۸ به این توافق‌نامه پیوست و به‌طور رسمی در اتحادیه موسوم به اتحادیه «چهار»^۳ دولت آسیای مرکزی که تشکیل جامعه اقتصادی آسیای میانه را اعلام کردند پذیرفته شد، اما این پیمان نیز با وجود موفقیت کمی که داشت با ناکامی مواجه شد. مخالفت‌های انتقادی اسلام کریم‌اف، رئیس‌جمهور ازبکستان، باعث شد این تلاش برای ادغام در آسیای میانه

^۱Central Asian Economic Community(CAEC)

^۲river Naryn – Syr-Darya

^۳four

نیز به شکست بینجامد. به نظر وی دلایل ناکارآمدی جامعه اقتصادی آسیای میانه این بود که کشورهای منطقه در مراحل مختلف توسعه اقتصادی و سیاسی بودند. بنابراین، رهبران منطقه آسیای میانه بی‌فایده بودن پروژه یکپارچه‌سازی یا ادغام را قبلاً مشاهده نموده‌اند؛ از این رو آنها تصمیم گرفته‌اند که فقط همکاری اقتصادی و نه سیاسی را گسترش و تقویت نمایند. حتی ادغام‌های اقتصادی، با وجود امضای بسیاری از توافق‌نامه‌ها نیز به شکست انجامید.

فاز دوم ایده‌های ادغام: از سازمان همکاری‌های آسیای میانه تا جامعه اقتصادی اوراسیا و اتحادیه اقتصادی اوراسیا

سازمان همکاری‌های آسیای میانه

در پایان سال ۲۰۰۱، در تاشکند رؤسای جمهور چهار جمهوری تصمیم گرفتند جامعه اقتصادی آسیای میانه را به همکاری آسیای میانه تبدیل کنند؛ همکاری آسیای میانه فقط به مدت دو ماه دوام داشت. در ۲۸ فوریه ۲۰۰۲ در آلماتی، رؤسای چهار کشور پیمان تأسیس سازمان همکاری آسیای میانه را امضا کردند. این سازمانی بین‌المللی متشکل از قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و روسیه بود. گرجستان و اوکراین وضعیت ناظر داشتند.

از آنجا که قبلاً در اجلاس‌های سران جامعه اقتصادی آسیای میانه اختلاف نظر در انتظارات ادغام بین شرکت‌کنندگان برجسته شده بود؛ در اینجا تصمیم گرفته شد که کلمه «جامعه» را با اصطلاح «همکاری» جایگزین کنند. از این دوره می‌توان ادعا کرد که ایده ادغام اقتصادی واقعی در آسیای میانه با عقب‌گردهای زیادی همراه بوده است. علی‌رغم ادعاهای این سازمان برای ایجاد رژیم همکاری اقتصادی و سیاسی تمام عیار، سازمان همکاری‌های آسیای میانه کم‌وبیش در حد مأموریتی مبهم و بدون هیچ نتیجه‌ای باقی ماند و در نهایت سازمان همکاری‌های آسیای میانه به دلیل رقابت بین قزاقستان و ازبکستان شکست خورد. در

۷ سپتامبر ۲۰۰۵، در اجلاس سنت پترزبورگ سازمان همکاری آسیای میانه، توافق شد سازمان همکاری‌های آسیای میانه در ایده نوظهوری به نام جامعه اقتصادی اوراسیا ادغام شود. در اکتبر ۲۰۰۵، ازبکستان درخواست عضویت در جامعه اقتصادی اوراسیا را داد؛ بنابراین سازمان همکاری‌های آسیای میانه در ۲۵ ژانویه ۲۰۰۶، هنگامی که ازبکستان به جامعه اقتصادی اوراسیا پیوست، عملاً منحل شد. این بررسی‌ها نشان داد که زمان ادغام کشورهای آسیای میانه هنوز فرا نرسیده است. در پی این سرخوردگی‌ها از ادغام در منطقه آسیای میانه قزاقستان، دوره روابط نزدیک‌تر با کشورهای اسلاوی را قابل قبول‌ترین و قابل توجه‌ترین گام دانست. در نتیجه کشورهای این منطقه پس از ناکامی ایده‌های داخلی برای ادغام به سمت آزمایش کردن ادغام‌های فرامنطقه‌ای گام برداشته‌اند.

جامعه اقتصادی اوراسیا نویدبخش بالقوه برای ادغام

پس از بحث درباره ایجاد فضای مشترک اقتصادی بین کشورهای مستقل مشترک‌المنافع شامل روسیه، اوکراین، بلاروس و قزاقستان، توافق‌نامه‌ای اصولی در مورد ایجاد این فضا پس از جلسه‌ای در حومه مسکو به نام «نو و اوگاروو» در ۲۳ فوریه ۲۰۰۳ بسته شد. فضای مشترک اقتصادی شامل کمیسیونی فوق ملی در زمینه تجارت و تعرفه‌ها است که مقر آن در کیف است و از ابتدا به سرپرستی نماینده قزاقستان اداره می‌شود و تابع دولت‌های چهار کشور نیست. در پیام سالانه رئیس‌جمهور قزاقستان در سال ۲۰۰۵ این پیشنهاد به همسایگان جنوبی آن ارائه شده است که «ادغام منطقه‌ای آسیای میانه به معنای راهی برای ثبات، پیشرفت منطقه و استقلال اقتصادی، نظامی و سیاسی است».

جامعه اقتصادی اوراسیا به عنوان یک ساختار به بستری برای همکاری نزدیک قزاقستان و روسیه تبدیل شد و حتی به عنوان یک نهاد حقوقی بین‌المللی نیز شناخته شد تا جایی که در سال ۲۰۰۳ به جامعه اقتصادی اوراسیا، عنوان ناظر در مجمع عمومی سازمان ملل اعطا شد و مجمع عمومی سازمان ملل متحد در شصت و دومین جلسه خود در دسامبر ۲۰۰۷ قطعنامه "۷۹/۶۲" را در مورد

همکاری بین سازمان ملل و جامعه اقتصادی اوراسیا تصویب کرد (Eurasian Economic Community, 2009, p. 512). جامعه اقتصادی اوراسیا را می‌توان به‌عنوان جامعه‌ای از نوع ادغام مشخص نمود. اتحادیه گمرکی برای کشورهای شرکت‌کننده در جامعه اقتصادی اوراسیا، متشکل از روسیه و قزاقستان به‌همراه بلاروس در سال ۲۰۱۰ شروع به کار کرد. ایجاد بازاری مشترک و فضای اقتصادی، جریان آزاد کالاها و سرمایه‌ها در قلمرو این اتحادیه گمرکی برنامه‌ریزی شده بود. طبق طرح اولیه در آن زمان قرار شد قرقیزستان تا سال ۲۰۱۳ به روسیه، قزاقستان و بلاروس ملحق شود و تاجیکستان و ازبکستان نیز بعدها به آن پیوستند. اکنون فرایند انتقال تدریجی به سمت یکپارچه‌سازی در حد متوسطی وجود دارد.

پروژه اساسی اتحادیه اوراسیا: ابتکاری برای ادغام

«پروژه تشکیل اتحادیه دولت‌های اوراسیا» ایده نورسلطان نظربایف در مورد ایجاد اتحادیه جدید اوراسیا بود که در ۲۹ مارس ۱۹۹۴ تهیه شد و در ۳ ژوئن همان سال به رؤسای کشورهای مشترک‌المنافع ارسال شد. در هنگام بحث در دومای دولتی فدراسیون روسیه، درباره «ظهور کشورهای مشترک‌المنافع، شرایط فعلی و چشم‌انداز توسعه آینده» بحث و سپس اشاره شد که اتحادیه اوراسیا پیشرفته‌ترین ایده ادغام است (Eurasian space, 1994). با تجزیه و تحلیل پروژه اتحادیه اوراسیا، می‌توان ادعا کرد که این پروژه، در واقع، دوره‌ای استراتژیک از روابط کشورهای آسیای میانه با روسیه و دیگر جمهوری‌های سابق شوروی بود (Gubaidullina, 2013, p. 133-150). ایده ایجاد اتحادیه اوراسیا از بسیاری جهات شبیه تکامل اتحادیه اروپا است. پروژه اتحادیه اوراسیا شباهت‌هایی با پروژه اتریشی‌پان اروپا در نیمه اول دهه ۱۹۲۰ دارد. پس از پایان جنگ جهانی دوم، این ایده به‌عنوان پایه‌ای برای ایجاد اتحادیه اروپای مدرن در نظر گرفته شد.

قزاقستان؛ به‌عنوان مرکزی مهم برای منطقه‌سازی

بسیاری از کارشناسان بر این باورند که منطقه‌بندی در کشورهای حوزه شوروی سابق به دلیل تفاوت‌های گوناگون در اندازه‌های اقتصاد جمهوری‌های

استقلال‌یافته، ویژگی نامتقارنی را دارا می‌باشد. گفته می‌شود که روسیه در روند ادغام در آسیای میانه نقش تأثیرگذار و غالب را دارد. با این حال، اخیراً اشاره شده است که مرکز دوم منطقه‌سازی در فضای پس از شوروی در حال شکل‌گیری است؛ این مرکز دوم قزاقستان است (Eurasian Development Bank, 2017, p. 32). قزاقستان به گروهی از کشورهای موسوم به «میانه»^۱ معروف است؛ یعنی کشورهایی که پس از فروپاشی شوروی با ثروت منابع طبیعی، تصویب سریع اصلاحات اقتصادی، سیاسی و دموکراتیک و ورود مؤثر به جامعه جهانی گسترده‌تر تعریف شده‌اند. موقعیت قزاقستان به‌عنوان «کشوری میانه» به این کشور امکان داده است که نقشی مهم در ارتقای ادغام منطقه‌ای داشته باشد. در حوزه کار مهاجر، قزاقستان به نیرویی مستقل برای منابع کار در فضای پس از شوروی تبدیل شده است (بصیری‌نیا و کوشکی، ۱۳۹۹). همچنین در حوزه تجارت منطقه‌ای، به‌ویژه تجارت غلات قزاقستان نقش اساسی دارد.

رئیس‌جمهور قزاقستان، نورسلطان نظربایف، برای جامعه اقتصادی اوراسیا، ارزش مشترکی به نام «یوراز»^۲ پیشنهاد داد. طبق گفته نظربایف، جامعه اقتصادی اوراسیا، گروهی متشکل از پنج جمهوری شوروی سابق، از جمله قزاقستان و روسیه، می‌تواند ارزی غیرنقدی به نام یوراز را برای عایق‌بندی خود از بحران‌های اقتصادی جهانی اتخاذ کنند. یوراز کلمه‌ای جدید است که به زبان روسی نزدیک به «اوراسیا»^۳ به نظر می‌رسد. طبق گفته نظربایف، نرخ ارز یوراز نباید به نوسانات ارزهای جهانی بستگی داشته باشد (Nazarbayev, 2011, p. 19-28). یوراز می‌تواند گامی به سوی ارز ذخیره جهانی مشترک باشد که تحت نظارت سازمان ملل متحد فعالیت کند. استفاده از ارز بدون پول نقد به معنای ثبات بیشتر جامعه اقتصادی اوراسیا است؛ زیرا «روبل» تحت تأثیر سیاست‌های داخلی روسیه و قیمت بازار نفت است. با این حال، یوراز شانس کمی دارد و بعید است که از حد یک ایده فراتر رود؛ زیرا کنترل یک ارز مشترک جدید نیاز به روابط سیاسی نزدیک‌تر بین کشورها دارد.

^۱middle state

^۲YEVRAZ

^۳Eurasia

چشم‌انداز ادغام اوراسیا

چشم‌اندازهای ادغام در اتحادیه آسیای میانه از چشم‌انداز ادغام در اتحادیه اقتصادی اوراسیا چندان متفاوت نیست؛ برای هر دو حوزه آسیای میانه و جامعه اوراسیا از آنجا که روند ادغام عمدتاً به‌عنوان همکاری سیاسی بین دولت‌ها بوده است از توسعه روابط اقتصادی عقب مانده است. بنابراین، عدم تقارن در مقیاس بزرگ توسعه اقتصادی و وابستگی‌ها وجود دارد.

باین‌حال، اگرچه ادغام واقعی در منطقه آسیای مرکزی در آینده هم همچنان دور از ذهن است، احتمال ادغام این کشورها در اتحادیه اقتصادی اوراسیا تحت شرایط خاص بسیار واقعی‌تر به نظر می‌رسد. حرکتی به سمت گسترش فضای ادغام در جامعه اقتصادی اوراسیا وجود دارد؛ هرچند موانعی از قبیل اینکه پتانسیل سرمایه‌گذاری کشورهای عضو بسیار ناهمگن است نیز وجود دارد. سرمایه‌گذار واقعی فقط روسیه است و درحقیقت، به دلیل عدم قابلیت تبدیل متقابل ارزهای ملی به یکدیگر، بازارهای مالی دارای عمق کم و نقدینگی کم و دامنه محدودی از ابزارهای مالی هستند. اینها نشان‌دهنده پتانسیل محقق‌نشده ادغام منطقه‌ای است.

مدتهاست که قزاقستان به‌طور فعال و با انرژی بیشتر از سایرین از پروژه‌های ادغام حمایت می‌کند. رئیس‌جمهور روسیه، مدتهاست که به‌صورت پراکنده به پروژه‌های ادغام که انگیزه آن تجارت کالاها و منافع شرکت‌های روسی است، توجه نشان می‌دهد. پوتین هنگام صحبت در مورد آینده اتحادیه اقتصادی اوراسیا، مرکب از فدراسیون روسیه، بلاروس و قزاقستان اطمینان داشت که این اتحادیه خواهد توانست از مشکلات منطقه اوراسیا جلوگیری کند (Oriental Review, 2011).

دولت‌های غربی از تشکیل اتحادیه اوراسیای تحت کنترل روسیه راضی نیستند و با اعلام هشدار به کشورهای مشارکت‌کننده اعلام داشته‌اند که روسیه قصد دارد اتحادیه اوراسیا را بر روی خاکستر باقی‌مانده از اتحاد جماهیر شوروی سابق بنا کند، اما برعکس این هشدار، در قزاقستان از این ایده پوتین استقبال شد و این کشور از مفهوم اتحادیه اوراسیای پوتین استقبال کرد (Putin, 2011). بحث در

مورد اتحادیه اوراسیا و اهمیت آن در سیاست جهانی در بالاترین سطح هنوز ادامه دارد. وزیر امور خارجه پیشین ایالات متحده، تلاش‌ها برای ایجاد یکپارچگی اقتصادی بیشتر در اوراسیا را اقدامی برای شوروی کردن مجدد منطقه توصیف کرد. «مایک پمپئو» به تلاش‌های تحت هدایت روسیه مانند اتحادیه گمرکی که شامل بلاروس و قزاقستان است، اشاره کرد «ما می‌دانیم که هدف چیست و تلاش می‌کنیم راه‌های مؤثر برای کاهش سرعت یا جلوگیری از آن را کشف کنیم». سخنگوی ریاست جمهوری روسیه، اظهارات پمپئو را «درک کاملاً اشتباه» از اوضاع خواند. «آنچه در قلمرو اتحاد جماهیر شوروی سابق می‌بینیم نوع جدیدی از ادغام است که صرفاً مبتنی بر ادغام اقتصادی است» (Vedomosti, 2019).

تا به امروز اتحادیه اقتصادی اوراسیا یک گروه ادغام جوان در حال پیشرفت است. این ادغام از پنج کشور عضو تشکیل شده است: قزاقستان، روسیه، بلاروس، قرقیزستان و ارمنستان. هدف اصلی اتحادیه اوراسیا، نوسازی اقتصاد ملی کشورهای عضو و تحقق پتانسیل پیوندهای اقتصادی در منطقه بزرگ اوراسیا می‌باشد که لازمه شرایط ورود به بازارهای جهانی است. در حال حاضر، بازار واحد کالاها، خدمات، سرمایه و نیروی کار که اصلی‌ترین فرایند ادغام اوراسیا می‌باشند، در حال تأسیس شدن است (patniak, 2016, p.123). هنگام تأسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیا، تجربه عملی اتحادیه اروپا و سایر گروه‌های ادغام منطقه‌ای جهان در نظر گرفته شده است.

رؤسای جمهور سه کشور، پوتین، لوکاشنکو و نظربایف، مقالاتی درباره ضرورت ایجاد اتحادیه اوراسیا نوشتند. «لوکاشنکو» در مقاله‌ای به نام «در مورد سرنوشت ادغام ما» درباره احتمال ایجاد اتحادیه نوشت و نظربایف در نوشته‌ای با عنوان «اتحادیه اوراسیا: از ایده تا تاریخچه آینده» با تکیه بر ایده اوراسیا که مدتهاست به سیاستمداران پیشنهاد کرده بود؛ خواستار ایجاد آن شد. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در مقاله‌ای تحت عنوان «پروژه ادغام جدید اوراسیا، آینده‌ای که امروز متولد می‌شود» نوشت که خواستار اتحادیه اوراسیا با یکپارچگی

عمیق‌تری می‌باشد. بنا به گفته پوتین، هیچ بحثی در مورد تشکیل مجدد ایالات متحده شوری یا به‌نوعی شبیه آن وجود ندارد. وی همچنین اضافه می‌کند که بازیابی یا کپی کردن آنچه که در گذشته اتفاق افتاده است ساده‌لوحانه خواهد بود، اما ادغام نزدیک بر اساس ارزش‌های جدید، سیاست و اقتصاد دستور روز است (Putin, 2011).

فرض بر این است که در طول پیشبرد این پروژه، احتمالاً رقابت برای نفوذ در جامعه اقتصادی اوراسیا، بین روسیه و قزاقستان، تشدید خواهد شد. در چنین شرایطی تقویت ابتکارات آستانه در آینده در بعضی از مناطق به‌عنوان تلاشی برای تأثیرگذاری تلقی می‌شود. به‌علاوه، با توجه به تأثیر نسبتاً بالای رهبری سیاسی در قزاقستان بر گروه‌های تجاری آن کشور، در واقع می‌توان انتظار داشت که دولت قزاقستان بتواند بر اساس منطق سیاست بین‌الملل خود بر تصمیمات سرمایه‌گذاران تأثیر بگذارد. توجه به این نکته مهم است که بازیگران اصلی اقتصاد قزاقستان گرچه ارتباط زیادی با دولت دارند، هنوز مشاغل خصوصی هستند. همان‌طور که عملکرد دولت‌ها نشان می‌دهد، روند ادغام اوراسیا غیرخطی و غالباً غیرشفاف است. این فقط توسط منافع ژئوپلیتیک یا ملی تعیین نمی‌شود، بلکه همچنین لازم است که به اصطلاح «سازمان ذهنی»^۱ رهبران کشورهای آسیای میانه، روابط شخصی و جاه‌طلبی‌های آنها هم در نظر گرفته شود.

اکثر تحلیلگران با این نظر موافق هستند که عمده خطرات جهانی در کوتاه‌مدت با توسعه اوضاع در اوراسیا مرتبط است. به‌نظر برخی از محققان کنونی، متفکر ژئوپلیتیک انگلیسی، «ماکیندر»^۲ و پیروانش در طرح اهمیت سیاست سیاسی آسیای میانه در اوراسیا حق داشتند که می‌گفت: «کسی که بر آسیای میانه حکمرانی می‌کند، اوراسیا را کنترل می‌کند و کسی که بر اوراسیا حکومت می‌کند بر جهان حکمرانی می‌کند» (Gerace, 1991, p. 352).

باین حال، آسیای میانه امروزی با آنچه در اواخر قرن نوزدهم یا اوایل قرن

^۱ fine mental organization

^۲ Mackinder

بیستم بود، متفاوت است. کشورهای آسیای میانه به‌عنوان کشورهای مستقل، جهان خارج را به تعبیر خود درگیر می‌کنند. آنها استراتژی‌های مختلفی را برای تعادل بخشیدن به درگیری قدرت‌های خارجی و استخراج حداکثر مزایای خود انتخاب کرده‌اند. سیاست خارجی چندبُردار قزاقستان و دو کشور دیگر آسیای میانه، جهت‌گیری غیرهمسوی ازبکستان و بی‌طرفی ترکمنستان با پویایی منطقه هماهنگ است. بنابراین، منطقه با جهت‌گیری متفاوت کشورهای خارجی عضو در آینده پایدارتر خواهد بود. احتمال تسلط هرگونه قدرت جهانی بر اوراسیا یا استفاده از موقعیت آن برای تسلط بر جهان بسیار کم است. تعادل مشخصی در تعامل با قدرت‌های خارجی وجود دارد که ثبات منطقه را تضمین می‌کند. توسعه اوراسیا در آینده نزدیک، نه تنها در منطقه، بلکه در همسایگی دور و نزدیک نیز به ثبات و امنیت بستگی دارد. به همین دلیل ادغام و همکاری منطقه‌ای در اوراسیا بسیار اساسی است (Patnaik, 2019, p. 152).

ادغام اتحادیه اقتصادی اوراسیا و افق محتاطانه ادغام در آسیای میانه

از میان سایر کشورهای آسیای مرکزی، قزاقستان می‌تواند مجدداً آغازگر فرایندهای ادغام در منطقه شود؛ زیرا ایده‌ها و پروژه‌های ادغام را بیشتر پیگیری می‌کند و فعال‌ترین شرکت‌کننده در فرایندهای اتحاد و ادغام در فضای اوراسیا است. قزاقستان مجدداً به مرکز ثقل کشورهای منطقه آسیای میانه تبدیل می‌شود.

برای ارتقا و توسعه بیشتر ایده ادغام، لازم است که کشورهای آسیای میانه تجربه اتحادیه اروپا را در نظر بگیرند، در حالی که در مورد ویژگی‌های منطقه، به‌ویژه تجربه تاریخی و سنتی هم‌زیستی بین کشورهای آسیای میانه را نباید فراموش کرد. قالب اساسی همکاری بین کشورهای آسیای میانه روابط دوجانبه است. طیفی از روابط مختلف در سطوح مختلف وجود دارد: توافق در مورد موضوعات خاص بین قزاقستان و قرقیزستان وجود دارد. علاوه بر این، بخش تعامل آسیای میانه از سوی سازمان‌های بزرگ‌تر، مانند کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و سازمان همکاری‌های شانگهای پشتیبانی می‌شود. یک همکاری گسترده و هدفمند بیشتر برای ادغام، نه تنها به تلاش‌های تلفیق، بلکه به ساختارها

و نهادهای بین‌المللی مناسب برای ادغام آسیای میانه نیاز دارد. تجربه در کشورهای دیگر نشان می‌دهد که ادغام نزدیک‌تر حتی با وجود مسائل دوجانبه حل نشده بسیار پیچیده امکان‌پذیر است. این شرایط، نه تنها توسط مخالفان و بدبین‌ها، بلکه توسط خوش بینان ادغام آسیای میانه نیز برجسته می‌شود.

امروزه در استراتژی جدید اتحادیه اروپا برای آسیای مرکزی از میان سایر کشورهای این منطقه بر اهمیت منطقه‌ای قزاقستان تأکید شده است. مواضع قزاقستان در توافق‌نامه‌های اساسی با روسیه و چین و همچنین ایالات متحده آمریکا به‌عنوان شریکی قابل‌اعتماد تلقی می‌شود. پیوندهای اقتصادی قوی می‌تواند برنامه‌های ادغام منطقه‌ای در آسیای میانه را در اولویت قرار دهد، اما این احتمال وجود دارد که حداقل برخی از بازیگران سعی کنند از نفوذ اقتصادی قزاقستان به‌عنوان سدی در برابر تأثیر سیاسی سایر بازیگران (به‌عنوان مثال روسیه) استفاده کنند.

همه این موارد به‌نفع همکاری منطقه‌ای نزدیک‌تر در میان کشورهای آسیای میانه است. بنابراین، چند سال آینده از نظر ادغام غیررسمی منطقه‌ای در آسیای میانه می‌تواند بسیار جالب باشد. باید در نظر گرفته شود که ادغام روند روان و آسانی نیست و با موانع و مشکلاتی روبه‌رو است. این امر نیاز به زمان و تجربه دارد. به‌نظر می‌رسد که فرایندهای ادغام در آسیای مرکزی به رویکرد چندمرحله‌ای نیاز دارند؛ بدیهی است که در آینده پیشنهادها، ایده‌ها و مفاهیم جدیدی برای ادغام ارائه خواهد شد. به موازات ایده ایجاد اتحادیه اوراسیا در گفتمان سیاسی عمومی، ایده تشکیل اتحادیه اوراسیای بزرگ نیز وجود دارد. برخلاف پروژه اول که بیشتر ادغام کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق را تأکید داشت، پروژه دوم شامل ادغام بیشتر با چین، هند، ایران و حتی کشورهای اروپایی است. به گفته کارشناسان، طرح این اتحادیه بزرگ هنوز به‌طور مفهومی شرح داده نشده است، اما می‌توان آن را با توافق‌نامه‌های امضا شده، بازدیدهای رسمی و تمرین‌های مشترک نظامی حدس زد.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که مشخص شد، در حال حاضر آسیای میانه از همه پیش‌نیازهای لازم

برای تشکیل منطقه برخوردار است؛ از جمله طیف وسیعی از عوامل اقتصادی و فرهنگی، اهمیت ژئوپلیتیکی مشترک و وابستگی متقابل قابل توجه از طریق سیستم‌های استفاده از آب، انرژی و مهاجرت نیروی کار را دارا می‌باشد. با وجود این، علی‌رغم این عوامل، آسیای مرکزی فاقد سطح همکاری بین‌المللی توسعه‌یافته بین کشورهای خود است. در واقع، می‌توان مشخص کرد که کشورهای آن بیشتر با یکدیگر و با قدرت‌های خارج منطقه‌ای، مانند چین و روسیه ادغام شده‌اند.

همکاری منطقه‌ای آسیای میانه پیشرفت مثبتی است، ولی با این حال، در آینده نزدیک احتمالاً شکل یک سازمان رسمی منطقه‌ای به خود نمی‌گیرد. کشورهای آسیای میانه باید در جهت منطقه‌گرایی حرکت کنند تا از تصور اینکه از سوی کشورهای منطقه هدایت می‌شوند، جلوگیری کنند. رقابت ازبکستان و قزاقستان برای کسب قدرت پیشرو در منطقه و دیدگاه‌های کشورهای کوچک‌تر مانند تاجیکستان و قرقیزستان که با نقش اول این دو کشور بزرگ‌تر از نظر اقتصادی و سرزمینی راحت کنار نخواهند آمد و ترکمنستانی که از هر قدرت پیشرو در منطقه بیزار است و ترجیح می‌دهد از هرگونه ساختار رسمی ادغام یا تعامل عمیق‌تر، دور باشد از عوامل عدم شکل‌گیری ادغام این کشورها می‌باشند.

هرچند در آینده منطقه‌ی پروژه‌های ادغام انسجام بیشتری خواهد داشت، جهت‌گیری خارجی متفاوت کشورهای عضو همچنان ادامه خواهد یافت، همچنین پیوستگی آنها به سازمان‌های منطقه‌ای موجود که تحت رهبری قدرت‌های مختلف خارجی قرار دارند نیز ادامه خواهد یافت. منطقه‌گرایی جدید در آسیای میانه به احتمال زیاد در جهت تقویت همکاری‌های درون‌منطقه‌ای حرکت می‌کند، اما با معماری منطقه‌ای موجود نیز تکمیل می‌شود. برخی از این سازوکارها و سازمان‌های منطقه‌ای موجود که ممکن است مؤثر نباشند از صحنه خارج خواهند شد، درحالی‌که برخی دیگر به دلیل گسترش همکاری در بین کشورهای آسیای میانه، واقعاً مؤثر و قوی‌تر می‌شوند. بنابراین، آسیای میانه را می‌توان با دقت بیشتری، نه به‌عنوان یک منطقه، بلکه به‌عنوان یک زیرمنطقه توصیف کرد.

پی‌نوشت

۱. آسیای میانه (آسیای مرکزی) به‌عنوان اصطلاحی جغرافیایی را فقط «الکساندر فون هومبولت» تعریف کرد و برای اشاره به مناطق داخلی آسیا استفاده می‌شد. در کتاب آسیا نوشته «ویلهلم سیورز»، محقق، جغرافی‌دان و سیاح آلمانی قرن نوزدهم، نام‌گذاری‌های مختلفی از منطقه ارائه شده است؛ آسیای میانه، «توران»، «ترکستان»، «آسیای کوهستانی»، «آسیای داخلی». این نام‌ها منعکس‌کنندهٔ تکامل مفهوم «آسیای مرکزی» است (Sivers, 2015).

منابع

بصیری‌نیا، علی و کوشکی، امین (۱۳۹۹). دولت‌های آسیای مرکزی از همکاری منطقه‌ای تا وابستگی به قدرت‌های بزرگ. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۶ (۱۱۰)، ۱-۳۷.

- Agreement (1998). on establishment of Common Economic Space between Republic of Kazakhstan, Kyrgyz Republic and Republic of Uzbekistan, Cholpon-Ata. 30th April 1994, with amendments dated 17th July 1998. *Kazakhstan and world community*, N 3, Alma-Ata Declaration, 21st December 1991. (1998). *Documents on International law*, Almaty .
- Akiner (2017). *Regional cooperation in Central Asia*. School of Oriental and African Studies, University of London .
- Breslin (2000). Studying Regions: Learning from the Old, Constructing the New. *in New Political Economy*, vol. 5, no. 3, pp. 333-352 .
- Bohr, A. (2004). Regionalism in Central Asia: New Geopolitics, Old Regional Order. *International Affairs*, 80(3).
- Eurasian space (1994). integration potential and its realization. About formation of Eurasian Union, Project, Almaty .
- Eurasian Economic Community (2009). *Basic Documents Collection*, Moscow .
- Eurasian Development Bank (EABR) (2010). *System of indicators of Eurasian*

- integration*. available at: www.eabr.org/rus/publications/projects.
- Fawcett, L. (1996). *Regionalism in Historical Perspective*. Regionalism in World Politics: Regional Organization and International Order/ed. by Louise L'Estrange Fawcett, Hurrell Fawcett, Andrew Hurrell. Oxford University Press .
- Gleason (2001). Inter-State Cooperation in Central Asia: from the CIS to the Shanghai Forum. *Europe-Asia Studies*, 53(7).
- Gubaidullina, M. (2013). *Idea of the Regional Integration in Central Asia: Projects and Prospects of Implementation, Eurasian Politics*. Idea, Institutions and External Relations/Ed. Tulsiram and Ajay Patnaik. – New Delhi: Knowledge world KW Publishers Pvt Ltd, Pp. 133-150 .
- Gerace, M. P. (1991). Between Mackinder and Spykman: Geopolitics, Containment, and After, *Comparative Strategy*, 10 (Oct. - Dec.) Pp. 347-364 .
- Malgin & Narinskii, M. (2002). The Southern Flank of the CIS”, Central Asia – the Caspian the Caucasus: Energy policy and politics. Moscow, Navona Publishing, pp. 32-46 .
- Nye J. (1968). *Introduction*. International Regionalism: Readings. *edited by Joseph Nye*. Little, Brown and Company–Boston Oriental Review (2011) Open Dialogue Research Journal. New Integration Project for Eurasia – Making the Future, 11/10/2011. [<https://orientalreview.org/2011/10/11/new-integration-project-for-eurasia-making-the-future-today>.]
- News Time (2008). Nazarbayev, N. (2005). *Kazakhstan is on its way toward fast economic, social and political modernization*. Message of the President of the Republic of Kazakhstan to people Kazakhstan, Astana, 25th February 2005, Astana April 24. Available from: <http://freeas.org/?nid=7685>.
- Nazarbayev, N. A. (2011). *Yevraziyskiy soyuz: ot idei k istorii budushchego*. Yevraziyskaya integratsiya: ekonomika, pravo, politika. [Eurasian Union: From Idea to the History of the Future. Eurasian integration: economics, law, politics], No.10, 19-28. Pp .
- Oriental Review (2011) Open Dialogue Research Journal. *New Integration Project for Eurasia Making the Future*. 11/10/2011. <https://orientalreview.org/2011/10/11/new-integration-project-for-eurasia>

making-the-future-today/.

- Patnaik, A. (2016). *Central Asia: Geopolitics, Security and Stability*. London & New York: Routledge .
- Patnaik, A. (2019). Regionalism and Regional cooperation in Central Asia. *International Studies*, 56, New Delhi: Sage.
- Putin, V. V. (2011). *Novyy integratsionnyy proyekt dlya Yevrazii – budushcheye, kotoroye rozhdayetsya segodnya*. –Izvestiya [A new integration project for Eurasia – the future that is born today], 5 oktyabrya .
- Rakhimov, M. A. (2018). Complex Regionalism in Central Asia: Local, Regional, and Global Factors. *Cambridge Journal of Eurasian Studies*, 2(6), 1-13. DOI: 10. 22261/CJES. J6Y3O7.
- Sivers, W. Aziya (2015). *Asia. Comments of A. I. Krasnov. World Geography. Reprint Edition*. SPb: Alpharet [electronic resource: GEO]. Available from: <http://geo.1september.ru/2003/30/22.Htm>.
- Starr, S. F. (2019). *A Partnership for Central Asia. Foreign Affairs*. July/August: available at: <http://www.foreignaffairs.com/articles/60833/sfrederick-starr/a-partnership-for-central-asia> .
- Vinokurov, E. & Libman, A. (2016). *Eurasian Integration: Challenges of Transcontinental Regionalism*. Basingtoke: Palgrave Macmillan .
- Vedomosti, (2019). *Eurasian Integration*. December 7, available at: <https://www.vedomosti.ru/politics/articles/2012/12/07/>